



شماره ۹۲ - پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ ریال

سالروز اجرای قانون خلع یداز شرکت استعماری نفت

بیست و نهم خرداد سال ۱۳۳۰، با پانین کشیده شدن تابلوهای شرکت استعماری نفت ایران و انگلیس، از سر تا سیات نفتی آبادان، اولین اقدامات عملی برای اجرای قانون خلع ید (موضوعی نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۰) آغاز گردید. هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران، که در میان شور و استقبال بی نظیر مردم ستمدیده و به خصوص کارگران زحمتکش نفت وارد آبادان شده بودند، عملاً "جای روسای شرکت سابق را گرفتند و بر امر تولید بقیه در صفحه ۲

مسئول خودسریهای رادیو کیست؟

مسئول خودسریهای رادیو کیست؟ براساسی در داخل سازمان رادیو تلویزیون چه میگذرد؟ سخنگوی مجاهدین در رابطه با دعوت مجدد رادیو از مجاهدین برای مناظره رادیویی که با نهایت فرصت طلبی و سیاسی روز پیاپی با زهم صورت میگیرد، گفت: "اولاً - رادیو هرگز تا کنون حاضر نشده است که جوابی بدهد. مجاهدین را در برابر سیاسیهای شیطنتبار دارودسته مشکوکی که مسئول این کارهاست قراحت کند، کما این که ما مجبور شدیم، نوار رادیویی جوابیهای را که توسط برادر مجاهدان مسعود رجوی ارسال بقیه در صفحه ۲

شریعتی، شهید در هجرت

شد و در دهات اطراف مشهد به آموزگاری پرداخت. در طی پنج سال خدمت موفق به اخذ دیپلم و لیسانس گردید. در دوران دانشسرا، با علاقه فراوان در زمینههای ادبی و اجتماعی مطالعه می کرد. عرفان و عزل گرابی، دوران نوجوانیش را با "شعرنو" آمیخته کرد. در همین زمان باعدای از دوستان، کانون ادبی را درحراسان بقیه در صفحه ۲

در آذر ماه سال ۱۳۱۲، در یکی از دهات توابع موبینان به نام "گاک" به دنیا آمد. "گاک" این تاریخی که در صورت جغرافیای ظاهر شده است، این عظمت بی کرانی مرموزی که نومید و خاموش، خود را، به تسلیم، پهن بر خاک افکنده است... آنجا که همواره طوفان خیز است و همواره آرام... کودک ساده کنجکاو روستائی را در دل خود پرورید.

پدرش "سید شریعتی" را با کتاب و مطالعه آشنا گشت. شگفت و پس از طی دوران طلبگی با مرحله ای جهاد، در شهر مشهد ماندنی شد و به آموزش پرداخت. دکتر از کودکی توسط پدر و استادش،

اطلاعیهای مجاهدین خلق ایران درباره

عوامل اصلی چماقداری

مجاهدین خلق ایران یکی از احزاب مشهور کشور را بعنوان یکی از سرچشمه های اصلی چماقداری معرفی نموده و حاضرند مدارک خود را در یک برنامه رادیو تلویزیونی به عرض ملت ایران برسانند.

سام خدا
سام خلق قهرمان ایران

چنانکه عموم مردم قهرمان ایران می دانند مدت ها است که جامعه ما از یک پدیده سمومی سام چماقداری رنج می برد. این پدیده زیاده بار ضد انقلابی که دقیقاً محل نظم آرامش و ایمنی سیاسی و اجتماعی است نه تنها به هیچ قانون و مقرراتی پایبند نیست، بلکه پیوسته بصورت هموار کننده راه ساواک و ایادی استعمار نیز عمل نموده و با فحاحی بی شمار دست درخون رشیدترین فرزندان این مین فرو برده است. بلحاظ عقیدتی نیز در سمومیت ضد اسلامی و ضد انقلابی این پدیده همین بس که پیوسته با عمل کردن در زیر نقاب ریاکارانه اسلام پناهی گاذب، نام مطهر اسلام و حزب خدا را محدود و لگه دار ساخته است.

از سوی دیگر اخیراً برخی مسئولان رسمی وزارت کشور و همچنین نمایندگان مجلس بر ضرورت ریشه یابی و معرفی عاملان این فحاح تأکید نموده و حتی فرزند امام نیز عاملان مزبور را حائین به انقلاب و اسلام خواند.

از این رو مجاهدین خلق ایران با تعهد خوار نسبت به ادامه و ارتقاء انقلاب رهایی بخش ضد امپریالیستی و اسلامیان مدت ها است که برخی سرچشمه های این حوادث را شناسائی و پیوسته تقاضای دادگاه علمی و برنامہ رادیو تلویزیونی برای افشا آنها نموده اند. علیهذا هم اکنون با زهم بدیال آخرین شهادت ها و جراحات هایی که از این بابت به ما و تمام خلق رسیده است، ضمن تأکید بر تقاضای فوق اعلام می کنیم که یکی از سرچشمه های اصلی این وقایع مذموم را پسند یکی از احزاب مشهور کشور است و مجاهدین خلق ایران برای افشا رادیو تلویزیونی اطلاعات خود در این باره، گماکان آماده اند. بدیهی است ما از تمام شخصیت ها و نیروها و احزاب و مقامات مسئول کشور که فی الواقع خواستار خاتمه بخشیدن به این قضایا و حفظ حرمت اسلام و انقلاب هستند، انتظار حمایت از این تقاضای قانونی و اسلامی را داریم.

مجاهدین خلق ایران
۲۷/ خرداد ۵۹

اعتراض انجمن میثاق به عدم رسیدگی دادستانی به جریان حمله به این انجمن و دستگیری غیر قانونی افراد آن

در صفحه ۶

دیدار برادر مجاهد موسی خیابانی با یکی از مجروحین جریان حمله به انجمن میثاق

روز شنبه ۵۹/۳/۲۴ برادر مجاهد موسی خیابانی به دیدار برادر منصور احمدی که در جریان حمله عناصر جفاکار و کمیته های ۲-۳ بدست به انجمن میثاق از ناحیه لگن خاصره مورد اصابت گلوله قرار گرفته به بیمارستان آبان رفت، و لحظاتی چند با این برادر مجروح به گفتگو نشست. برادر منصور در پاسخ سؤال برادران موسی در محل برخوردی گفت: تبر از ناحیه ران وارد شده و از لگن بیرون آمده که اسخوان ران و لگن را شکسته و محل اتصال اسخوان ران به لگن هم آسیب دیده است.

برادر مجاهد موسی خیابانی گفت: آنها که به نام انقلاب و اسلام نفس منافی می کنند، آبروی انقلاب و اسلام را برده و می برند. نمی توانم امروز روزنامه را خوانده ام. مسئولین امر این جریانات را محکوم کرده اند، حاج احمد آقا همین گفتند اینها ضد انقلابند که با گذاشتن نام حزب الله روی خودشان آبروی الله

گروه های مختلف جریان حمله به مراسم ۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی حمله به اجتماع امجدیه را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین شدند

مصلحتی ذاکری به ضرب گلوله ای - ۳
محرر شد. موجی از خشم و نفرت در بین مردم آزاده میهن ما بقیه در صفحه ۳

به دنبال تشکیل جلسهی افشاکاری شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز در تاریخ ۲/۱۸ که با حضور خبرنگاران مطبوعات داخلی از جمله خبرنگار ما ر اهواز تشکیل شد. گزارشی از مطالب عنوان شده حول مسئله پاکسازی و تاریخچه آن در صنعت نفت رسال شده که در زیر می خوانید. لازم به تذکر است مسئله پاکسازی در ادارات و ارگان های اجوابی و تولیدی که خواست به حق همی کارگران و کارمندان متعهد و مردمی بخصوص خواست نیروهای انقلابی است. مناسفانه به دلیل انحصار طلبی اکثر مسئولین، در خیلی از موارد به وسیلهای برای تصفیه حساب های گروهی و اخراج عناصر سرفری مردمی از ارگان های اجرائی تبدیل شده و بالتبع همچنانکه در گزارش شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز آمده است دست اندرکاران تصفیه خود از کسائی هستند که باید تصفیه و پاکسازی می شدند. آنچه از گزارش شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز بر

مردم و مجاهدین

نظامی و هواداران را در احسار سپاه پاسداران قرار می دهد. در برخی از نامها به عملکردهای سپاه در شهرستانها و مناطق مختلف اشاره کرده اند. و با از جود سجاهدی که بر سیستم سپاه حاکم است یاد شده خواهری برابیان نوشته است: آیا فراموش کرده اند، در بسیاری از حملات فلاترژها به مراکز و دفاتر شما و هوامپروپالیستی دارد، چرا کادرهای

گزارشی از پاکسازی!! در صنعت نفت

می آید به شرح زیر است: یکی از خواسته های به حق و انقلابی کارکنان مبارز صنایع نفت پاکسازی و تصفیه حقیقی این صنعت از لوث وجود سر - سیردگان رژیم منحط شاهنشاهی بقیه در صفحه ۸

مناسبات بین رهبری و توده های مردم از دیدگاه علی (ع)

مقاومت و بسج توده ها، قرار ندهد، هیچ کاری از پیش نخواهد برد. از سوی دیگر فعالیت و استقامت مردم نیز، چنانچه به وسیله رهبرانی که از صلاحیت و سایشگی مکی برخوردار هستند، هدایت شود، ره به جایی نخواهد برد. در این جا بین "صلاحیت رهبری" و "استقامت توده ها" رابطه ای "شرط و مناسبت" برقرار است. (تشریح مفصل این مطلب در عهده بحث تاریخ است.)
فاذا ادت الرعیة الی الوالی بقیه در صفحه ۷

منااسبات بین رهبری و توده های مردم از دیدگاه علی (ع)

طیبت تصلح الرعیة الی اصلاح الولاة، ولا تصلح الولاة الا باستقامة الرعیة"
(پس کار مردم سامان نخواهد پذیرفت جز در بر سو صلاحیت و درستکاری رهبران. کما اینکه فعالیت رهبران نیز به نمر خواهد نشست مگر با تلاش و استقامت مردم.)
گنسم که رابطه بین رهبری و مردم، از نقطه نظر علی (ع) به هیچ وجه یک رابطه یک جانبه، تکانبی و تک سوئی "از بالا به پایین" نیست. درست به همین دلیل اصلاح

مصاحبه تلویزیونی

برادر مجاهد موسی خیابانی

برادر مجاهد موسی خیابانی در مصاحبه تلویزیونی بسیاری از سیرها و افرادی را که در چماقداری نقش اصلی دارند شناسایی نموده و حاضریم معرفی کنیم. چنانکه دیروز هم نوشتیم برادر مجاهدان موسی خیابانی در یک مصاحبه ۲۴ دقیقه ای تلویزیونی که در روز ۲۶/۳ ضبط گردیده است، اعلام نموده که مجاهدین خلق ایران سرخها و سردمداران اصلی چماقداری را شناسایی نموده و حاضرند در یک برنامه رادیو تلویزیونی آنها را با ارائه اسناد و مدارک معرفی نمایند. ما ضمن تأکید بر ضرورت پخش مصاحبه برادرمان توجه تمام مقامات و مسئولان کشوری را به گفته های او در این مورد برمی انگیزیم هم چنین باید متذکر شد که فرزند امام نیز ضرورت برمسلا شدن سرخهای فوق الذکر و ارائه اسناد و مدارک مجاهدین را در این باره خواستار شده بود.

شریعتی، شهید در هجرت

باید گذاری کردند. شریعتی، قوی سید و "سبع زندان" محصول این دورانند.

به تهران منتقل شدند. بیس سالهای ۳۸ تا ۴۳، برای ادامه تحصیل به اروپا مسافرت کرد و در عین ادامه تحقیقات در ریسنهای جامعه‌شناسی و تاریخ‌دانان، به‌سازرات خود بر علیه دیکتاتوری شاه ادامه داد. در همان جا با سارزس الجزایری و نوشمهای قانون آشنا گردید و اندیشه‌ی مبارزات ضد استعماری کشورهای تحت سلطه در وجودش جان گرفت.

با دنیای بزرگ کرده‌ی جهان - حواریان عرب، غرب و بیگانه بود. در تنهایی و غربت این دنیا، ذهن فعال و برپای خاطرهای چون گره‌ی "کوبر" صهی را زبند می‌کرد و در حسرت بی‌پسند به "نسانی" که از آن جدا افتاده بود، بی‌ایمان با "کوبریات" بر دردم زبندی می‌کرد.

بسی از بازگشت نه‌میبین تا سال ۴۸، در دانشگاه شهید به‌دینرس مشغول شد. کتاب "اسلام‌شناسی" نوری دروغ‌هایی است که از قبل در اروپا گرد آورده بود و اکنون به دانشجویان می‌آموخت.

این دوره با آوارگی و محدودیت روزی بود. رژیم که از کلام و آموزش - های معلم می‌رسید، دانشا در کارش مانع اتحاد می‌کرد و عاقبت سر از کار آموزشی او جلوگیری نمود. اما او که نمی‌خواست دوری درس و ساگرد را تحمل کند و نیاز به‌مقام رسمی اسادی و حواریان در دانشگاه می‌دید، کوله‌بارش را برداشت و به تهران آمد و حسینی‌ارشد را به کانون جمع و آموزش ساگردان و سفیگانی بدل ساخت. سزودی سلطه‌داری‌ها و سخنرانی‌های او آن جهان در میان جوانان تحصیل کرده و متعهد جا باز کرد که معلم و اندیشمندی را به‌صورت یک جریان در جامعه مطرح ساخت.

کار او در حسینیه هم‌زمان بود با آغاز و رشد جنبش سلحشانه چریکی در ایران. حماسه آفرینی جوانان حان برکفی که هر کوی و بوزن، زندان و شکنجه‌گاه و میدان سیر را به‌صحنه تیردی خونین و قتل‌آمیز بر علیه رژیم مزدور شاه تبدیل کرده بودند، برای سخنان شریعتی در مورد اسلام و انسان و معیشت و ... نمونه‌ی عینی اجتماعی ارائه می‌داد و کلام و درسش را طموس و معسر می‌کرد. او شکیلی این جوانان بود و پیام شیادان را در هر کلاس و سخنرانی سرب می‌داد.

بعضی دلیل حسینی‌ارشد، در زمان او، یکی از بزرگترین کانون‌های حاشی حسینی سلحشانه و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق بود، بسیاری از ساگردان شریعتی بعدها به سازمان پیوستند و در راه اهداف آن حسان

نهضت "حدابرسان سوسالست" گرایش پیدا کرد و در هفتم سالها کتاب "ابودر حدابرس سوسالست" نوشت. "حوده‌الجزایر" را بر محمد و بنظم نمود. بعدها، بروهای ارجحاتی، او را صمیم کردند که در این کتاب، به از زبان ابودر بلک‌دار زبان انسان و "جرحیل" و روزولت سخن گفتند.

برحمندی این کتاب، بقضی آثار زندگی راسین دکتر شریعتی بود، و او را از اوام عرفان نمایانده و عزت گرامی‌های که به‌سبب افکار فلسفی و صریح و صادق هدایت سوز می‌داد، نجات بخشید. خودی بعدها گفت که ما در حال "ابودر" مولوی از اس مرک نجات یافته است.

در سال ۱۳۴۳، به‌هم‌تدریس، اساد محمد نفی شریعتی، مرکزی به نام کانون سحر حقایق اسلامی، برای مبارزه با بی‌ایمانی‌های ارجحاتی که بر اسلام سبباند، در شهید تا، بیس شد. دکتر در آن به‌فصلی‌برداشت. در سال ۱۳۴۳ بیس از پیروزی نهضت ملی و نخست‌وزیری دکتر مصدق، به‌نهضت ملی پیوست. اس بار سیر، به‌تعمیر خود او، دو بال "ابودر" و "مولوی" مانع از سقوط او به جریان‌های ارجحاتی و انحرافی گردید.

این جوان پرشور که اکنون ۱۸ ساله بود، اغلب در نظاره‌های خیابانی به‌حمایت از دکتر مصدق شرکت فعال داشت و در مطبوعات شهید و نشریات "کانون سحر حقایق اسلامی" نیز مقاله نوشت. در عین حال برای تدریس به روستاهای اطراف شهید رفت و آمد می‌کرد و از نزدیک با بوده‌های محروم و زحمتکش برخورد می‌نمود.

در بیس سالگی، تحصیلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی بنیایان رساند و وارد دانشکده‌ی ادبیات شهید شد. بیس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۴ و حاکمیت اخنقی و زور، به "نهضت مقاومت ملی" پیوست و مبارزه‌ی محفی با رژیم خود گامه را آغاز کرد. اما در به‌مراه سال ۱۳۴۶، هم‌زمان با نخست‌وزیری افشار، "نهضت مقاومت ملی" مورد یورش رژیم قرار گرفت و عناصر فعال آن و مجمله دکتر و پدرش دستگیر و

بقیه از صفحه اول

مردم و بخصوص نسل جوان، و صابر سست بودند، هر جا که سست بوده از آن موطئه برداشت و آن را نفس برآب کرد.

ضریبی اهورنوسی سال ۵۴ و نیلای سازمانی که نظریه‌ی آمد و آرمان‌هاش بود. اگر چه براس سخت و خانکاه جلوه می‌کرد، ولی هرگز نامشیر ساخت و به مواضع انحرافی ننگسند. در اوج این ضریب سخن از احیای اسلام راسین به‌دست حواریان انقلابی گفت و نهاد اصلی را با رژیم امپریالیست و رژیم دست‌سازنده‌ی این سان داد.

او به درسی، در بیس این ضریب، خطر بروهای راست ارجحاتی (مارش) را نشان داد که چگونه در دست با بروهای انقلابی و مخصوص مجاهدین، نهاد اصلی را فراموش کرده و هم‌گام با منحرفین حسان، (ناگس) آب به آسمان رژیم دست‌سازنده‌ی امپریالیست (فاطسین) می‌ریزند.

ضریب اهورنوسی او را با بروهای مبارزی که معیشت به‌نگام دیگر بودند، ننگسند. آنان را به‌دستوان دشمن، بل به عنوان رفقای می‌دانست که در زندان تحمل انقلابی و رهایی‌بخش، باید بیس بودن از آن را تجربه کرد و به‌سبب رساند و به ما عدیت و درگیری مقله که دیگر نمی‌بوانست با ساگردان و جوانان سست و برای آنان سخن از دردها و درمان‌ها کند از آن بیس نیبا و آواره، از داری به دینار دیگر می‌گفت. او که حواری را با دروین‌گرانی و عرفان رفیق و بی‌آزار آغاز کرده بود، ما دو بال ابودر و مولوی، از کوران مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی گذر کرد، آندیده شد و در اوج عنای خویش به "عرفان" عضانگروها - ی بخش رسید. عرفانی که در کسار "آزادی" و "برابری" می‌نست و معنی می‌یافت.

اردیبهشت سال ۵۶، "مهاجران" الی‌الله، از "زندان سکندر" گریخت تا سربوست خویش را در مداوم حرکت و مبارزه‌اش بیس کند. یک‌ماه بعد، هجرش را ما مرز ابدت گسرس داد. زندان بزرگ را درهم شکست و در آستان پاک خدا رها شد.

اکنون اگر چه سناری از جریان‌های ارجحاتی که در جوهر فکراتان صدمت با "شریعتی" هستند است، "ناسی" را بزرگ می‌کنند تا سیاسی را از خاطرها محو کنند، اما پیام پیام دکتر، در خاطره‌ی نسل انقلابی سلمان که سوره‌های شکست و بردم راز جنگال بوداگران و مردم حواریان در بیس پی‌برورد، همواره زنده و باسند است.

رژیم که با اسارت و زندان سوانست بود، او را به موضع افعال و بی‌عملی ننگسند، این بار تلاش کرد ما با جاب تحریف سده‌ی سخنانش در مطبوعات رجی، همه او را در میان مردم نگهدار کند و هم ضادهای بیس بروهای سیاسی مبارز را داین زند. اما دکتر، علیرغم این که تمام کاتال‌های ارساطی‌اش را با

بقیه از صفحه اول

مسئول خودسریهای رادیو کیست؟

شده بود، در نشریه‌ی مجاهد به چاپ برسانیم. چرا که حضرات از ترس و وحشت از جوابی‌ها ما حتی حاضر شدند به از همه‌ی سبب‌های لااقل یکبار هم به قرانت آن مبادرت ورزند.

ثانیاً - در تماس مجددی که با آقای دکتر فراجی مدیر عامل رادیو تلویزیون گرفته و ضمن آن آمادگی خود را برای شرکت در بحث می‌خواستیم عنوان کنیم، ایشان مجدداً "گفتند که هنوز چنین دعوتی که اطلاع ایشان صورت گرفته‌اند، انجام نشده و ایشان ضمن اعلامیه‌ی گذشته‌ی خود تا یکید گردانند که هر اعلامیه و دعوت نامی که بنام ما، روابط عمومی رادیو تلویزیون باشد، از جانب صدا و سیما جمهوری نیست و حتی مطبوعات منتشر کننده‌ی آن قابل تعقیب کیفری می‌باشند.

آقای دکتر فراجی که خود سیر از انجام این گونه اغماط خودسرانه در رادیو فوجی‌الغاده ناراحت می‌نمود در برابر این سؤال ما که بیس تکلیف مجاهدین ما این دعوت‌نامه‌های مکرر رادیویی و سیمایی‌های صداقت‌گویی چیست و چه باید کرد؟ سکوت اختیار نمود و گفتند که مواضع خود را در حال وضعیت موجود در رادیو تلویزیون بعداً در برابر ریاست جمهوری روس خواهد نمود.

و اکنون مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام مجدد همه‌گفته‌ی آمادگی خود برای سخت‌های سالم و آزادی که آلتند در خطوط تفرقه - اندازندگی ارجحاتی‌ها، از همدی مسئولین کشوری می‌پرسند، مسئولین این قاعده‌نگارهای رادیو که مدتی می‌رسد مدیر عامل را سیر به حال آورده است، کیست و چرا رادیو دانشا ارجحادین دعوت‌گاشی می‌کند، که مدیر عامل آن سیر از آن بی اطلاع است؟

در برابر ریاست جمهوری روس خواهد نمود. و اکنون مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام مجدد همه‌گفته‌ی آمادگی خود برای سخت‌های سالم و آزادی که آلتند در خطوط تفرقه - اندازندگی ارجحاتی‌ها، از همدی مسئولین کشوری می‌پرسند، مسئولین این قاعده‌نگارهای رادیو که مدتی می‌رسد مدیر عامل را سیر به حال آورده است، کیست و چرا رادیو دانشا ارجحادین دعوت‌گاشی می‌کند، که مدیر عامل آن سیر از آن بی اطلاع است؟

امروز مرتجعین و کوردلان هر چه سرودست مجاهد ننگسند، چشم در برابر و بگولند سبندند، شلاق بزند و ... جز این نیست که همه‌ها را سربوست‌های بی‌شور و چشم‌های بی‌بنا شده و سرهای پر خور و ... افزوده خواهد گشت. این سقوط انقلاب است، این قانون تکامل است.

فلکشان را شکست نمودند. اینجا را خاست ما سروح شد و من ناگهان زمین خوردم که مرا به آنداد و بیس به سبب بهارستان رساندند که به محض رسیدن به بهارستان به اطای عمل اشغال بانیم.

آنگاه برادر مجاهد موسی حجابی از مدتی که منصور نام در بهارستان ماند تا بهیود سوال کرد که برادر منصور در حواریت گفت معلوم نیست چون زخم عمیق است و دکتر گفته‌اند سسری باسی با زخم خوب سود آخر زخم ناسی از گولندی زس است و الا هم عقوبت بندا کرده که درمان را طولانی بر می‌کند.

خواهر برادر محروم ما می‌گفت: نه نمایندگی رئیس‌جمهوری که به بهارستان آمده بود، گفت که آن اس اسلام؟ این است حکومت علی؟ که مقر ججهای ما را روی زمین گفت حجابان سربوست آخر اس اسلحه‌ها را مردم ما از بادگاش خارج کردند و حالا که دست اینها افتاده به اس شکل خورد استفاده فرار می‌دهند. اینجا فکر می‌کنند که ما کس و جسم در آوردن و باطل‌کردن می‌بواند از مبارزه‌ی اسلامی و مردمی ما جلوگیری کند، ما ما را سرباستند ولی اسباب می‌کنند. چون کسی که در این راه آمد از همه‌ی خبر خود می‌گذرد.

در پایان برادر مجاهد موسی حجابی ما آرزوی سلامتی برای اس برادر زنده و در میان شور و سوز منصور و خانواده و دوستان بهارستان را ترک کرد.

در برابر ریاست جمهوری روس خواهد نمود. و اکنون مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام مجدد همه‌گفته‌ی آمادگی خود برای سخت‌های سالم و آزادی که آلتند در خطوط تفرقه - اندازندگی ارجحاتی‌ها، از همدی مسئولین کشوری می‌پرسند، مسئولین این قاعده‌نگارهای رادیو که مدتی می‌رسد مدیر عامل را سیر به حال آورده است، کیست و چرا رادیو دانشا ارجحادین دعوت‌گاشی می‌کند، که مدیر عامل آن سیر از آن بی اطلاع است؟



امروز مرتجعین و کوردلان هر چه سرودست مجاهد ننگسند، چشم در برابر و بگولند سبندند، شلاق بزند و ... جز این نیست که همه‌ها را سربوست‌های بی‌شور و چشم‌های بی‌بنا شده و سرهای پر خور و ... افزوده خواهد گشت. این سقوط انقلاب است، این قانون تکامل است.

سؤال از دادستانی کل انقلاب

درباره‌ی اشغال غیر قانونی کانون توحیدی بشارت

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مسئول، وزارت کشور مدعی است که دستور جلبی آن را صادر و مراتب تحویل آنرا فراهم نموده است ولی هیچ مقامی حاضر به سبب‌گویی حاشی فرور از عناصر خودسر و تحویل آن به صاحب اصلی‌اش نمی‌باشد. آقای دادستان کل انقلاب از حاشی می‌پرسیم، آخر چرا به اس وسعیت و مراجعات مکرر رسیدگی نمی‌نمود؟

امیدواریم دادستانی انقلاب و سایر مقامات مسئول پاسخ به این خواسته‌ی قانونی را هرچه زودتر اعلام فرمایند.

کانون توحیدی بشارت ۵۹/۳/۲۵

سارروز اجرای قانون خلع یداز شرکت استعماری نفت

بقت و اداره‌ی ناسیات نفتی نظارت کردند.

این اقدام که از مبارز توده‌های ستم‌پذیر ایرانی می‌جوشید، به امپریالیسم متخوار انگلیس نشان داد که دولت ملی دکتر مصدق در مبارزه برای درهم ننگستن عمده‌ترین پایگاه اقتصادی استعمار، مصمم و تزلزل‌ناپذیر است. از این پس، انگلستان - این استعمارگر کینه - گار، برای سرنگونی دکتر مصدق، بیش از پیش به توطئه‌چینی مشغول شد و عاقبت سیر این رسالت‌نگین را به‌طور تعیین کننده، امپریالیسم تازه نفس آمریکا بر عهده گرفت و به کمک ایادی داخلی، حاکمیت رژیم دیکتاتوری و مزدور کودتاچیان را بر مردم ستم‌زده‌ی ماتمحل‌کرد. با وجود این، بهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق که ملی کردن صنعت نفت و خلع ید از استعمار انگلیس را به ارمغان آورد، به تنها نقش تعیین‌کننده‌ی در ارتقاء جیش رهایی‌بخش میهن ما ایفا کرد، بلکه هم‌چنین بر مبارزات ضد استعماری خلق‌های منطقه نیز تأثیر به‌سزایی داشت.

۲۹ خرداد هر سال، فرصتی است که خاطره‌ی یکی از پیروزی‌های درخشان ضد امپریالیستی خلق‌مان را گرامی بداریم.

گروههای مختلف جریان حمله به مراسم امجدیه را محکوم می کنند

اعلامیه انجمن حقوقدانان مسلمان

بنام خدا

برای قلع و قمع جانفداری، در کنار تعقیب قانونی مشتی تحریک شده و یا مزدور و مجازات آنها، نیاز اصلی، شناسایی و معرفی و محکومیت سرمداران اصلی این جریان می-باشد. این کار به سادگی از طرف مقامات اجرائی و قانونی میسر است. ردگیری عوامل حمله و هجوم به هر یک از اجتماعات مردمی و بخصوص با توجه به سلاجهایی که بعضاً در دست مهاجمین یافت می شود تعیین هویت عاملین تسلیح، یکی از راههای شناسایی آمرین و مسببان اصلی است. در تعقیب شکایت هایی که به مراجع مختلف انتظامی و قضایی می شود، مواردی از برکناری و باطنوی مقاماتی مشاهده شد است که مجدانه در صد پیگیری قضیه بر آمدند و با نخودی اظهارات متهمین به گونهای از پیش تعیین و به آنها دیکته شد است که برونده را از امکان رسیدگی توسط مراجع ذیصلاح - دادگستری - خارج نموده است.

هم از سوی کسانی بودمانند که به لحاظ سوابقتان در شرارت مطرود و مورد نفرت اکثریت مردمند. نخودی انجام یورشها بصورت ایجاد حریق در دکمهای کتابفروشی، حمله به نوجوانان فروشندهی نشریات انقلابی، پرباب سنگ و مواد آتشزا به خانه و مائین و ماوای مردم، کمین برای افراد مبارز، از یک سو نشاندهندهی حمله - هاو خلق و حوی حملهکنندگان و از سوی دیگر بیانگر ماهیت واقعی دست اندرکاران اصلی و گردانندگان این جریان انحرافی است. اما حشرات حمله به اجتماعات صدها هزار نفری و در کنار آن نادیده گرفتن نیروهای پلیس و بدکرات و بیانیم های مقامات اجرائی، مقلدان است که از خصلت شخصی این اوباش به دور بوده و حتی در رابطه با موضع طبقاتی یعنی شان نیز قابل تبیین نیست، بلکه حاکی از وجود رشتها و سرخها و حمایت های مادی و معنوی است که از ایشان می شود. در پس صدها حمله و هجوم، ضرب و حرح و قتل و غارت چیزی بیش از چند صد لات و عربدهکش وجود دارد:

فاجعهی امجدیه و به مفهوم واقعی، "حنایتی" که در ظاهر به وسیلهی مشتی اوباش قداره بند انجام شد، برای بعضی نقطهی کیفی در لمس حقیقتی بود که ماهیاست در سن جامعهی ما و بصورت آشکار و پنهان وجود دارد. گرچه اکثریت آگاه و روشن بین خلق، با بروز اولین نونهما و با بیان اولین هشدارهای افراد، سازمانها و گروههای انقلابی، به ماهیت آن پی برده و به چاره - جوئی و مبارزه با آن برخاستند. اینجاست که گزارشات حطلات و جرائم ارتجاعی مزدور هجوم کنندگان - که بعضاً دارای سوابق سو کبیری و یا سابقهی شرارت هستند بر می آید، و نیز با توجه به جهت حرکت آنها، که مشخصاً یورش به نیروهای انقلابی و مرفقی است، هرگونه سردیه خوش بینانه و ساده انگارانهی را نسبت به "مردمی" و "خودجوسی" بودن این حرکات از بین می برد و لزوم شناسایی "جریان" و "ار" این بدیدهای انحرافی را مطرح می سازد: جریانی دقیقاً هدایت شده که چه به لحاظ افراد و چه به خاطر نخودی عطرکرد، قابل بررسی است. ضرورت این بررسی، ضرورت شناسایی دست های ناپیدا و حاشیکاری است که هفتان در قتل و ضرب و جرح و غصب و بخرست اماکن و اموال مردم خلاصه نمی شود، بلکه مقاصد بلند مدت نری را دنبال می کنند:

ارزشهای اصیل اسلامی بی تفاوتی با این جاست که فرزند امام بلافاصله بعد از اطلاع از جریان فوق با صراحت و قاطعیت اعلام می دارد که: "من حمله به این اجتماعات را خیانت به اسلام می دانم." و همچنین اظهار می دارد که: "اگر "حزب فقط حزب الله" معایش زدن است که آبروی اسلام را بردند..."

ما در شماره ۸۹ مجاهد شرح گفتگوی حاج سید احمد خمینی را در این شماره به ذکر برخی دیگر از اعتراضات که در همین رابطه صورت گرفته است می پردازیم:

بقیماز صفحه اول

برای بیخفت، این حملهی ارتجاعی و وحشیانه در حالی صورت می گرفت که مراسم امجدیه با اجازهی رسمی وزارت کشور برگزار می شد. و درست به همین خاطر گروههای مختلف به این حمله اعتراض کردند. چرا که وقتی ضوابط و مقررات و قوانین مملکتی این گونه آشکارا بازیچهی محافل انحصارطلب قرار می گیرد، چه چشم اندازی برای تأمین سادهترین حقوق و آزادیها و نیز امنیت اجتماعی مردم می تواند وجود داشته باشد؟

از این مهمتر وقتی شیوههای کثیف آریامهری با ماسک اسلام و حزب الله بکار گرفته می شود، مردم مسلمان ما چگونه می توانند در برابر ضربه خوردن و خدشه دار شدن

۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی حمله به اجتماع امجدیه را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین آن شدند

بنام خدا

بانوجه به اصل آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به توصیههای مکرر امام سنی بر لزوم حفظ وحدت و یکپارچگی افشار ملت و با توجه به اینکه منطبق و جماعتداری و سرهم زدن اجتماعات قانونی بمر شکل محکوم است، ما نمایندگان مجلس شورای ملی اسلامی حطلاتی را که در روز ۵۹/۳/۲۲ به شرکت کنندگان در مراسم امجدیه شد، شدیداً "محکوم" می کنیم و اعلام می داریم که این گونه کارها علاوه بر پیامدهای نامف - ناز و ضدیت با انقلاب اسلامی ایران و تجاوز به قانون و حریم جمهوری

کانون زندانیان سیاسی ایران: عاملین حمله به اجتماعات باید به مردم معرفی و سرکوب گردند

از همان آغاز انقلاب دستان انقلاب، آمریکا و عوامل ساواک درصدد بودند که به شکل مختلف جداگانه طریق ریسوخ دردسنگاه - های اجرائی و چه تشکیل دسدهای جانفداری و با عناوین فرسندوی "حزب الله"، آئوب و هرج و مرج و درگیری و نقای از اباد کنند - بمقابل شتاب و سب ساززی ضد - امیربالسنی - دموکراتیک مردم ایران مانع بوجود نیاروند.

امروزه دیگر برای هند روس ندانست که حمله کنندگان به اجتماعات، کاری جز قتل و جرح، کت و سوزی و پوهن به نابوس دیگران ندارند؛ کوچکترین استثنایی نری به جمهوری اسلامی ندارند. اما ظاهراً نری نسبت کلمات و اسامی و ریشوران دیت و انقلاب بنیان ندهاند.

احمال و عسیم در سرکوب اعما" ساواک، عسیم اسامی اسامی آنها، عدم معرفی نامی عناصر ضد مردمی در خطب دسنگاه ها و حطلات و سبیر به مردم، منع اسدواری این عناصر ضد انقلاب و جانفداری است. آنچه اساد خاسوخاندی آمریکا تاکنون نشان داده است، دست بنیان سرمانداران و رسانداران و ساواکی ها درست نری این حرکات بود است. واقعهی امجدیه، دسالیی موطئی باکام سراسری روزهای قتل از ۱۵ خرداد است، که به علت افشارگی توسط برخی نیروهای سیاسی و از جمله توسط شخص رئیس جمهوری، تا کام ناند، این همد جلیل از نقام سیدنا می شود، آن وقت چگونه می شود آوز کرد که به اجتماع مجازی حمله شود که به شامت بزرگداشت سیدنا بزرگوار شد است، جنس حطلات کار



سیخ جفاقدار، پرباب گازاشک و اوروشلیک گلوله و... اینست پاسخ انحصارطلبان به حقوق قانونی مردم!!

اسلامی ایران تلقی می گردد، و باید هرچه زودتر عاملین و محرکین این گونه اعمال در هر مقام و موقعیتی که باشند، به کفر برسند.

رضا صفهانی، رحمان اسکی، محمدرضا امین ناصری، مصطفی نیری، محمدعلی نائاری، ابوالقاسم حسن جانی، سید محمد مهدی جعفری، نظرمحمد دیدگاه، رضا رضایی، کاظم سابی، محمد امین سازگارزاد، عزتالله سجایی، لطیف صفری، اعظم طالقانی، علی گزارده غفوری، حسن لاهوتی، سید محمد میلایی، محمد محمدی، محمد نصراللهی نژاد، عطاءالله مهاجرانی.

اعلامیه گروهی از معلمین مرکز و شمال تهران

بنام خدا

بنام خلق شهیدان ایران

بسیسگی کنار طرف سازمان مجاهدین خلق در ورزشگاه امجدیه با محور قانونی از طرف وزارت کشور جهت بزرگداشت مجاهد شهید رضا رضائی و ۸ تن دیگر از شهیدای اخیر سازمان برگزار شده بود. ما حطدی جماعتداران و سرانداران سید افراد باسدار و کمند همراه بود. اس مراسم یک شهید، دهها تن سیر جوورده و صدها مجروح بدنال داشت که باعث اندوه اکثریت مردم گردید. در حالیکه مکرراً سئلهی جمالی داری و برهم زدن اجتماعات از جانب سازمان مجاهدین خلق محکوم کنند است. ما جوسالحلم که اس بار از جانب مقامات مسئول و رسمی فاجعهی

انجمن حقوقدانان مسلمان، علاوه بر آنکه مصرانه از مقامات قضایی و اجرائی خواستار رسیدگی قاطع و اعلام اسامی گردانندگان اصلی این جریان انحرافی است، وظیفهی اسامی، اسلامی و انقلابی خود می داند که ضمن اعلام آماجگی در جهت همکاری با کلیدی گروهها، سازمانها و ارگانهای انقلابی و مرفقی، از همهی امکانات خود برای ریشکون کردن سباط جانفداری که بی شک یکی از حربهای امیربالسیم جهت اعادهی حاکمیت کامل خود در کشور ماست، سود حسد و از نمانی افشار آگاه مردم و نیز احزاب و سازمانهای انقلابی و نشریات و جراید مردمی خواستار است تا با در اختیار گذاردن اطلاعات و اساد و مدارک خود این انحصار را باری دهند.

بیانیه گروه سیاسی ایران امروز

دسبرخانهی گروه سیاسی ایران امروز طی اطلاعیهی حمله به مجاهدین و برهم زدن نظم و انتظامات امجدیه را شدیداً "محکوم" و از مسئولان امر خواستار شد که مسببین این جنایت قمع را به ملت ایران معرفی و آمان رانندیدند!

انجمن ها و دفاتر همبستگی دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی: حمله به مراسم بزرگداشت شهادت مجاهدین خلق در امجدیه اوج ترس و وحشت انحصار طلبان و واپسگرایان از اسلام اصیل و انقلابی

بقر تمام سده است، در روز پنجم در مراسم بزرگداشت شهادت ۸ مجاهد فاجعه آفریدند و با حمله هجوم و راهانداری و تحریک جانفداری و قداره مندان حرفه ای، شیوه های ارتجاعی و ضد مردمی را به نمایش انجاد بدسینی و بی اعتمادی نوده های مردم نسبت به فرزندان خلف خلق و به آرزو کشیدن آنان، نفس برآب دیده و آثار معکوس آن را در گسترش نوده های و کسب بانکاه های مردمی آنان تاهدند، و دیگر راهی جز مقابله و رودرروئی با انقلابیون سزای خود نمی بینند. بدنال حاصلات و حساسانه و مکرر خود به مراکز و مراسم مجاهدین خلق در سراسر کشور که به تمیت شهادت و مجروح شدن صدها



ابرهای متراکم، گازاشک و فضای محوطه را ترا گرفته است.

سام خدا

متن سخنرانی هیات نمایندگی گنجره‌ی خلق جمهوری عربی سوسیالیستی لیبی در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران

ملت‌ها شکست ناپذیرند



هیئت نمایندگی گنجره‌ی خلق لیبی در کنفرانس بین‌المللی مداخلات آمریکا در ایران

برادران و خواهران، درود و رحمت خداوند بر شما، بعنوان هیات اعزامی گنجره‌ی عمومی خلق که شامل نوراها و کمنه‌های خلقی و اتحادیه‌های حرفه‌ای مردم جمهوری عربی سوسیالیستی لیبی می‌باشد، می‌خواهم که درودها و تحسین و تقدیر ملت عرب و مسلمان لیبی و رهبر متفکر و انقلابی آن معمر قذافی را تقدیم شما کنم و برای شما در کار این کنفرانس و در جهت افسای ظلم و احقاق حق و رسیدگی به ستمدگان آزادی موقعت شایم. و بر بستنایی کامل جویس را از ملت مسلمان ایران در مصمتهائی که به منظور حفظ موجودیت خود در شمال مداخلات گویاگون آمریکا انجام می‌نماید اعلام می‌دارم. ما خود را هم‌بیمانان طبیعی ملت مسلمان ایران به رهبری آیت‌الله امام خمینی می‌دانیم.

نابود سازند و نه دولت آمریکا و دست‌نشاندها در منطقه اجازه ندهند که میان ملت مسلمان لیبی و ملت مسلمان ایران شکاف و تفرقه بیاندازند. زیرا نابودی منافع آمریکا و حتی ساختن نوظه‌هایش در منطقه مسلمزم اتفاق و اتحاد ملت‌های مسلمان لیبی و ایران است. برادران! کمنه‌های انقلابی که در واقع بستناران انقلاب خلق هستند ادارات دولتی نیستند بلکه نهاد‌های مردمی می‌باشند و اگر عیزاز این بود بدون شک به کانون‌های دیکتاتوری بدل می‌شدند. کمنه‌های انقلابی نهاد‌هایی هستند که نوده‌ها را از اسارت فردگرایی و گروه‌گرایی و حرب و منسله و خانواده‌گرایی رهایی‌بخش و به سوی منافع جامعه و آزادی و عدالت و سعادت سوق می‌دهند. کمنه‌های انقلابی همان حکومت ملت بر ملت است. کمنه‌های انقلابی وظیفه دارند که ارشهای خلقی را خاک‌گیر ارشهای سنی نماید. زیرا مبارزان و سلاح‌بدستان مردمی با ایمان به عدالت و حقانیت آنچه در راهش می‌جنگند در هر بیکاری پیروز خواهند بود. زیرا ملت‌ها شکست ناپذیرند. شاید پیروزی انقلاب ملت مسلمان ایران بر نیروی ناهشیانی و استه به امپریالیزم جهانی با همه‌ی سازوبرگ‌های نظامی که در اختیارش بود، بهترین دلیلی بر درستی این اصل باشد.

نده است عبرت نگرفته و می‌کود تا دست نشاندها ناره‌ای برای خود در منطقه وجود نیاورد که نوظه‌های جویس را علیه ملت‌ها ادامه دهد. آمریکا سادات خائن را که دست نشاندهای بیس نیست و آواز ساختن شاه را در مصر بیدرد و حواس و اراده‌ی ملت مصر را ناده نگردد. ایالات متحده‌ی آمریکا هم‌اکنون در نظر دارد که اسلحه‌ی بسار مدرن در احسار رژیم ورکسنی سادات بگذارد. البته اسلحه‌ها سلاح‌های آزادی سروسس عربی فلسطین و با آزادی سروسس‌های اعراب است و سپهر قدس نیست. بلکه برای به کار بردن اسلحه‌ها در جهت سرکوبی انقلاب‌های خلق عرب و مسلمان در منطقه و مخصوصاً سرکوبی انقلاب ملت عرب و مسلمان لیبی، انقلاب ملت مسلمان ایران، برده از جهره‌ی کسانی که در هم‌سایگی ایران دعوی مسلمان بودن را دارند و زست‌صداسعماری خود گرفته‌اند برداشت و آنان را رسوا کرد. این مدعیان دروغین هم‌اکنون در راه به‌سخت کشاندن انقلاب ملت ایران تلاش می‌نمایند و این جحش است از نوظه‌ی بزرگی که توسط امپریالیزم و صهیویزم و ارتجاع به منظور سرکوبی جنبش‌های انقلابی طرح‌ریزی شده زیرا انقلاب به معنی پایان دادن به سلطه‌ی امپریالیزم و استعمار و آغاز دوران آزادی ملت از تمامی فید و بندها و دخالت‌های ابرودرین است. این وظیفه‌ی نیروهای انقلابی است که از طریق کمنه‌های انقلابی و اتحاد و همسنگی با یکدیگر دیکتاتورها و مهره‌های اسعمار را

است که علیه آنان اتحاد می‌گردد. یک رزمنده‌ی فلسطینی که تجاوزکاران صهیونیستی را به گروگان می‌گیرد و خواستار رهایی رفقای خود از زندان و آزادی میهنش می‌شود، در واقع با این اقدام می‌خواهد موضع خویش را در مقابل سیاست بین‌المللی ترور که توسط دولت آمریکا از طریق صهیونیستها علیه خلق فلسطین اعمال می‌گردد نشان دهد. زیرا دولت آمریکا خود اسرائیل را بوجود آورد و از نظر اقتصادی و نظامی تقویت نمود و به توسعه‌ی آن کمک کرد و اشغالگران صهیونیستی را به منظور درهم‌کوبیدن اردوگاه‌های فلسطینی به بمب‌های نابالم مجهز ساخت. برپائی پایگاه‌های نظامی در

دیپلماتها بود. همانطور که ملت ایران و انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ توانستند به همه‌گونه‌خالتها در امور داخلی‌شان خاتمه دهند، می‌بینیم که ملت عرب و مسلمان لیبی و انقلاب اول سپتامبر ۱۹۶۹ نیز بر علیه چنین مداخلاتی بود. زیرا در پایزدهم زوش ۱۹۷۰ آخرین سرباز آمریکائی از لیبی اخراج و پایگاه ویلسون بنام عقیدین‌ناخج سردار مسلمان نامگذاری شد و از آن روز به بعد همواره ملت عرب و مسلمان لیبی آمریکا را از عواقب مداخله در امور داخلی ملت‌ها برحذر داشته و شاید ملت ایران بیش از دیگر ملت‌ها سنگینی مداخلات آمریکا را به دوش خود تحمل کرده است. ملت عربی لیبی در برابر مداخلات موضع گرفته و روابط خویش با رژیم دست نشانده‌ی شاه را قطع نمود و به ملت ایران در مبارزه‌اش برای به‌دست آوردن استقلال و آزادی کمک کرد برادران! آنچه که ملت مسلمان ایران در زمینه‌ی نفی و رد این مداخلات جنایت‌آمیز و منظور دفاع از نفس بعمل آورده است، حداقل اقداماتی است که می‌تواند انجام دهد. آنچه که دانشجویان در زمینه‌ی باصطلاح گروگانگیری بعمل آورده‌اند، بهیچ وجه عمل‌برورستی بشمار نمی‌رود، بلکه یک عکس‌العمل طبیعی است. در برابر اعراب و کشتار و فشار که توسط دولت آمریکا از طریق شاه دست‌نشانده و نظام فاسدش بر علیه خانواده‌های ایرانی در چهارگوشه‌ی کشور بکار می‌رفته است. بشمار می‌رود. این دولت آمریکا است که مسئول گروگان‌گیری جاسوسها است و این دولت آمریکا است که مسئول هر اقدامی

به یاد محاهد شهید شکرالله متکین فام

تشنه‌نگر بدون تنگ

دیار میرقی در آسمان میهن در حسد و امروز صبح آفاق خویش تریبود

امروز قمری‌های شهر عمگما به ترسود خواندند امروز

میلیتیا قلسن تریکینه تریبود شایست. "شکور" در همه‌جا هست

ارشدکندگا هم‌جسند تا دیوارهای شهر از تنگ کوجها تا وسعت صحراهای دور دست از قلب‌های پر درد پاران، تا فریاد‌های بی‌خروش میلیتیا‌ها

درد دل‌ها و صحبت‌های خودمانی

صدایی از میان جنگ‌ها و کوه‌ها

این صدائی است که از قلب مازندران و از میان جنگ‌ها و کوه‌ها و بالاخره از شهر گرگان با شما صحبت می‌کند.

من در یکی از روساهای شهر گرگان بنام روسای... مدیر مدرسه می‌باشم. دوشنبه ۲۹ اردی‌بهشت ۵۹ طبق معمول مشغول کار بودم که در حدود ساعت ۱۱ صبح ناگهان مردی دوان دوان به مدرسه آمد و داد و فریاد کرد: "مسلمان‌ها کجا شد!" پرسیدم پدر چه شده؟ چه مشکلی برایت پیش آمده؟ بگو شاید بتوانیم مشکل را حل کنیم.

مرد روسائی شروع به صحبت کرد که:

حالا او دم بس بود که هم نالد و شکوه کم و هم دحرم را برسم. ما باید از اینجا بریم و دحرم هم دیگه مدرسه‌ماند...

ما و میبوت فقط گوس بی-کردم و حمره شده بودم نفس برد. در حالی که چهره‌ی برداند و برزحس حکایت از ستم و رنج سالان دانست. برادران این مطالب را بدگوس امام و به گوس خلق قهرمان ایران برسانند تا بدانند که این زالوصغان و قاجح و بی‌سرمی را باید کجا رساندند و کدامین مسلمانانی است که از کنار این مسائل بی‌تفاوت بگذرد.

برادر سار... ط.

تو کجا ند خاک و خون در غلظتی در مشهد، شهر شهادت در حیا با ن بهشت، کنار سنگر مدد رستر!!

و بعد از این حمایت هولناک تند با دی‌کاز نلا ظم حوست بر سنگر... حیا با ن

سرخاست، شکوه‌های سرخ‌رنگ آگاهی را در کوجه‌ها... وین کوجه‌ها

در خانه‌های شهرت ریخت، و آگاهی‌های جوانان خلق، در مانند کریست و دیوار سنگر را برین گرفتار شست... ها، بر تفعین سنگر و نوست ولی یاد تو در دل‌ها، حست

MOJAHED
The Organ of
PMOI the People's Mojahedin Organization of Iran

شماره‌ی جدید
"مجاهد الشعب"
و "MoJahed"

(نشریات عربی و انگلیسی
مجاهدین خلق) منتشر شد.

از گلیه‌ی هموطنان
(مقیم ایران یا خارج)

که می‌توانند در توزیع نشریات
در آسیا و آفریقا با ما همکاری کنند

تقاضا داریم با تهران ۱۶
صندوق پستی
۱۵۵۱/۶۴ تماس بگیرند.

MOJAHED
The Organ of
PMOI the People's Mojahedin Organization of Iran

شماره‌ی جدید
"مجاهد الشعب"
و "MoJahed"

(نشریات عربی و انگلیسی
مجاهدین خلق) منتشر شد.

از گلیه‌ی هموطنان
(مقیم ایران یا خارج)

که می‌توانند در توزیع نشریات
در آسیا و آفریقا با ما همکاری کنند

تقاضا داریم با تهران ۱۶
صندوق پستی
۱۵۵۱/۶۴ تماس بگیرند.

گذری بر محلات فقیرنشین اهواز

عباره:

"عباره" محله‌ای است فقیر- نشین در آخر اسفالت، در جنوب شهر اهواز، این محل دارای یک خیابان اصلی به نام "مریضی علی" می‌باشد. در حدود سی خانه‌ی کاهگلی در این محله وجود دارد که معمولاً مساحت خانه‌ها از ۵۰ متر مربع تجاوز نمی‌کند. بعضی از این خانه‌ها دارای ۴ اتاق می‌باشد، که در هر اتاق آن یک خانواده‌ی ۵ نفری و گاهی بیشتر زندگی می‌کنند. در این محله گروه‌های مهاجر همراه با عرب‌ها در کنار هم مسکنه زندگی می‌کنند. آخر همه‌ی آنها از فقر، محرومیت و ظلم و استعمار سالیان دراز ناشی از حاکمیت رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم رنج می‌برند. آنها همیشه منتظر رسیدگی به اسبوه مشکلاتشان می‌باشند. حتی بعضی از آنها حاضرند در صورت دادن زمین و ایجاد امکانات به روساها یا بنیان بر گردند و به کار کشاورزی بپردازند. همگی برای امام خمینی دعا می‌کنند اما از این که مسئولین نوجهی به وضعتان نمی‌کنند، ناراضند. یکی از اهالی می‌گوید:



تندیس بیگانه‌ی این نسل خشمگین معصوم کوچک
ای ستاره‌ی تابان درون غار میراث ظلم و جور هزاران هزار سال در چهره‌ی تنگدماغات اینک تصویر نبرد نهائی را

اهالی محله‌ی عبارت از حداقل امکانات زندگی بی‌بهره‌اند. کوجه‌ها بر از اشغال و جوی آبی که از این محله می‌گذرد، بر از لجن و کثافت می‌باشد، که تعفن ناشی از آن انواع و اقسام بیماری‌ها را بوجود می‌آورد. اهالی برای درمان مجبورند مسافت زیادی را تا درمانگاه شیرخورشید و یا مسجد صاحب‌الزمان بروند. به یک خانواده‌ی ۶ نفره برخورد کردیم که پدرشان سخت مریض بود و نام پهلشان را به بیمارستان ویزیت‌های ۵۰۰ نوبتی دیکرها داده بودند و می‌گفتند:

"کاش پدرمان و نان آورمان با این پول‌ها خوب شده بود، این بیمارستان‌ها رسیدگی نمی‌کنند،

"ما ظلم هست، مبارزه هست".
ما نیز از مقامات مسئول و دست‌اندرکارانی که ادعای حمایت از مستضعفین را دارند، سؤال می‌کنیم که بعد از گذشت ۱۵ ماه از قیام شکوهمند خلق‌مان چه گام‌های اساسی و انقلابی برداشته‌اید و یا حداقل چه



فرزندان فقرو در د، قربانیان مظلوم امروز عصیانگران سلحشور فردا

استعفای شورای عالی اسکان گودنشینان جنوب تهران

استعفای اعضاء امیر خود را اعلام داشته و توجه مقامات مسئول را به مشکلات روزافزون مردم جلب می‌نمایم.
بدیهی است که علت استعفا محرم خواهد رسید.
کارکنان شورای عالی اسکان گودنشینان جنوب تهران: محمود محبوسی، محمد مصعودی، سعید برزین، محمداسلامی، حمید ناصرعلیخانی، نصرصادق، حسن محبوسی.
رونوشت: نمایندگان محترم گودنشینان، آقای نیکخواه سربست دفتر اسکان گودنشینان، اطلاعات، کیهان، بامداد مجاهد، انقلاب اسلامی.

شماره ۵۹۳۲۴
۱۰۵۶
شورای عالی اسکان گودنشینان تهران
بنام خدا
شهریار محترم تهران
عدم توجه لازم مسئولین به مسائل و مشکلات مردم گودنشینان و کارکنان های متاسر ارتحای می با این نهاد آموزشی مملکتی امامه کار را امکان ناپدید نموده. از آنجا که تشکیل این شورا در جهت حمایت از منافع مردم گودنشینان توسط جوانان متحمه با انگیزه خدمت به خدا و خلق بوده است، ادامه کار به این شکل را موثر ندانسته و با مشکلاتی که انحصار طلبان و مرتجعین هرروز در مسیر ایجاد ما ایجاد میکنند و مستغالی امکان حل مشکلات مردم سیر نمی باشد. لذا با توجه به دلایل فوق و به عنوان همفردی با گودنشینان استعفا اعلام می نمودم. امیر خود را اعلام داشته و توجه مقامات مسئول را به مشکلات روز افزون مردم جلب می‌نمایم.
بدیهی است که علت استعفا بطور مشروح به اطلاع گودنشینان محترم خواهد رسید.
کارکنان شورا یعالی اسکان گودنشینان جنوب تهران
محمود محبوسی
محمد مصعودی
سعید برزین
رونوشت: نمایندگان محترم گودنشینان، آقای نیکخواه سربست دفتر اسکان گودنشینان، اطلاعات، کیهان، بامداد مجاهد، انقلاب اسلامی.

"چه باید کرد؟"
نوار سخنرانی سردار مجاهد مسعود رجوی در اجدیه
نوار را فقط از مراکز مجاهدین خلق و مراکز و کتابفروشی‌های هوادار در دسترس کشور تهیه کنید.

صحبت کردیم، می‌گفتند: "از پول غذا و پوشاک‌مان و با زحمت زیاد این کاهگلی‌ها را خریداریم تا در زمستان آب از سقف‌مان چکه نکند. مردم محله‌ی کبان آباد علاوه بر دوری راه برای رساندن مریض‌ها یا بنیان به بیمارستان از ویزیت‌های ۱۰۰ نوبتی برای یک بیمار و گرانی دارو و سایر مایحتاج زندگی هستند می‌برند. اکثر آنها کارگرانی هستند که صبح تا شب با حقوق اندک کار می‌کنند، با خرج زندگی خود و چند سر عائله را ناامین کنند. یکی از آنها می‌گفت:
"وفی سوهرم مریض شد، مجبور شدم قرص زیر بایم را بفروسم تا سوهرم خوب شود و دوباره بتواند سرکار برود! یک نفر از آنها می‌گفت: "مسئولین امور ما بحال برای ما چه کرده‌اند؟ بارها خواستیم اینجا را لوله‌کشی آب بکنند، اما می‌گویند: باید اهالی محله ۷۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ تومان بدهند، آخه ما که نان شب نداریم، و شهرداری که خود را مسلمان می‌داند، چگونه انتظار این همه پول را دارد؟ وضع خانه‌ها، هم دست کمی از آب و بهداشت‌مان ندارد. این زمین‌ها متعلق به چند شرکت است که صاحبانش فرار کرده‌اند، باید به هریک از ما کارگران یک قطعه از این زمین‌ها را بدهند، چون حق مسلم ماست".
انها انتظار دارند، در جمهوری اسلامی حداقل نیازها و انتظاراتان نظیر بهداشت، مسکن و امکان آموزش و تحصیل فرزندانشان فراهم شود. دیدن محرومیت‌ها و فقر و بدبختی دامنگیر این گونه محلات و محلاتی نظیر شلینگ آباد، لشکرآباد، رفیق آباد، جادونشینان کوی حر، آخوند و... دل هر انسان متعهد و آزاده‌ای را آزرده می‌سازد. محلاتی که از حداقل امکانات زندگی نظیر بهداشت، آب، تحصیل، پوشاک و مسکن و... بی‌بهره‌اند. دیدن این صحنه‌ها نه تنها ما را با رنج و سختی نودها عینی می‌کند، بلکه کینه و خشم هر فرد انقلابی و متعهد را نسبت به امپریالیست‌ها و استعمارگران شدت می‌بخشد، و این حقیقت را که مجاهد شهید مهدی رضائی در بیدادگاه‌های شاه گفت، درک می‌کند که:

پای صحبت چادرنشینان "کوه سرخ"

یکی تک می‌زند تهدید می‌کند چند بارهم به خاطر زورگویی‌هایی به دادستان کاشمر شکایت کردیم. "روستای ما مثل یک بنکه باروت است تا آخرین قطره‌ی خونمان زیر بار زور نمی‌رویم چون انقلاب را ما کردیم".
براستی این فاصله‌ی عظیم طبقاتی چگونه تحمل‌پذیر است؟ چرا و چگونه اینچنین راحت، حامیان واقعی انقلاب، ره‌اشداند؟ سیر گسترش و اوج‌گیری قیام نودهای خلق‌مان بخوبی نشان می‌دهد که پایبرداری و فداکاری محروم‌ترین اقشار جامعه‌ی ما سنگ‌بنای انقلابان بوده و خواهد بود.
بدون شک، سرنوشت این انقلاب همچون سرازشت بستگی نام و مستقیم به این دارد که چه جهت‌گیری طبقاتی را دنبال می‌کند آیا به سمت نوده‌های محروم اما مصمم خود خواهد رفت یا بسوی کسانی که بر سر سفره به میراث‌خواری بنشینند؟
در هر صورت دیوارهای فطوری و بلند سکوت نیز هرگز نمی‌تواند فریاد رنج عظیم مستضعفان را که ریشه در تاریخ و وجدان پاک انسان دارد بنه‌ان سازد و آنچه باید انجام بدهیم، آغازی است بزرگ و بیکر برای پاسخ به حکم ضروری و اجتناب‌ناپذیر تاریخ، که چیزی جز تحقق آزاده‌ی خدا و سنت تغییرناپذیر او یعنی حاکمیت و وراثت زحمتکشان نیست. سه‌الله فی‌الذین خلوا من قبل، ولی تجد لست‌الله تیدیل.



"زندگی پر رنج، باقلی سرشار از کینه‌ی اربابها"

کلفت‌ها می‌دهد و آنوقت ما می‌مانیم و سی‌جبری و گرسنگی.
مادری سیز که چشمان او از سو افشاده می‌گوید: "وقتی ما گرسنه‌ایم و شکم جهمانان باد کرده‌ی جطور ما "جوی" به این گرانی شکم گوسندها را سیر کنیم. امسال به ده ما تقالهی جعفرر بیاید و اگر هم آمد از ما "سیرتر"ها برود. به ما گفتند که گوسندها را بفروسیم تا این جسکالی جطور؟ اربابها همه چیز را قبضه کرده‌اند".
عبدالله می‌گوید: "اگر کسی

بالتر از کاشمر، سینه‌سینه‌ی حال "کوه سرخ"، جاده را درمی‌بوردیم. اطراف جاده، روستاهای بسوزی‌خورده و مهجور و بی‌آبانهایی را که از تشنگی لاله می‌زیند، پشت سرمی‌گذاریم. طبیعت نیز انعکاسی است از سرنوشت پر رنج و سستی که مردم این خطه، سالیانست با آن دست بگریزانند.
در کمربندی "کوه سرخ"، حیل چادرنشینانی را می‌بینیم که گوسفند - داری می‌کنند. زبهای چادرنشینان این کوه رخت‌هاشان را می‌سوزند و اغلب پایبای دامپاشان، از کودکان خردسال خود نیز حفاظت و برسانری می‌کنند.
حمیدالله، مردی از روستای "موی" کاشمر از این کوه خاطره‌ی دردها و رنجهای بسیار خود را حکایت می‌کند. "چهل سال از حدا عمر کردم اما یک روز حوس ندیدم. والله دارم از سن می‌روم. همانطور هم که گفتند از فروش بره‌هایمان صدمتور کردیم اما تاکنون یک ریال وام نخواستیم و کشاورزی دریافت نکردیم".
علامتی یکی دیگر از روستا- شیان، سدان می‌بیند که حرف دلش را بزند: "ما باید جورا یک من ۸ تومان بحرم و بره‌هایمان را بزرگ کنیم، اربابها همه چیز را قبضه کرده‌اند. انگار اربوبی آنهاست و ما جزو این ملکت نیستیم".
زنی از چادرنشینان: "آقا این شرکت معاوی ده ما رنج را به جان‌ها می‌دهد روغن را به گودن

مردم ومجاهدین

بقیه از صفحه اول

وظیفه‌ی نیروهای مترقی و انقلابی آن است که همه هر شکلی شده از این گونه تفرقه‌ها و جدائی‌ها جلوگیری کنند.

داران این باسداران هستند که به دفع برجسته وارد عمل می‌گردند و ... برادر دیگری از بهران برآمدن نوشته: "حکونه امر به فراموشی نبرداری از سایه‌ی می‌کنند که سبب سبب صفتها را با سنا دانستند" برداری از کردستان نوشته است: "دیگر از سنا انتظار نداشتم برای اینکه ندانید تحت فرماندهی چه کسانی می‌خواهند قرار گیرند، بهتر است سری به کردستان برسد و ببیند که چگونه به نام مبارزه با کفر و الحاد مردم محروم ما را به خاک و خون می‌کشند." جواهری که فریاد می‌دهد: "جاهد است از بهران برآمدن نوشته است: "کاس یک روز با باسداری که ما باید فرمایم برسان را کشیم از نزدیک برخورد دانستند و می‌دیدند که چه شکلائی برای فریب می‌خواهند برآیند از آن می‌کشند و ... در جریان هفتگی بین آمدن بر سر باسداری باسداری که می‌توانست با ما به خاک و خون کشند بسیاری از جواهران و برادران ما اصولی می‌گفتند: "اس هم از سایه‌ی که اسفند سگس را به سینه می‌زدند، آما غیر از این بود که باسداران به روی مردم آن گسودند، مسئولیت سبب باسداریان مصطفی داکری با گسودن از باسداری که در عوض اسفاد صافه از خود ادعا می‌کند سبوی او سر- اندازی شده، چگونه می‌خواهند اطاعت کنیم." اتفاقات در این مورد فراوان بود. ولی ما هنوز هم که هنوز است به آنچه که در اعلامیه گفتم صدق و معتقد و وفاداریم. فقط چند توضیح در این مورد ضروریست. اول تحلیل ما از سیاه باسداران، دوم درک درست آنچه که ما گفتیم. به نظر ما سیاه باسداران اساساً از بوده‌های محروم مردم تشکیل شده است. و اکثریت برادرانی که در سیاه عضویت دارند جوانانی هستند که در مبارزه با شاه خاش نیز نقش داشته‌اند. بانگ الله اکثر همین عزیزان بود که غریب سلسله‌های آمریکائی مزدوران شاه را بلند و محو کرد. ما به خوبی به سیران شور و انگیزی اکثریت این برادران آگاه هستیم. سستی مانند سایر نهادها می‌تواند از انقلاب این ارکان بنیادین اجتناب ناپذیر و مفید عناصر و اسگرا و عوام- طلبی بدون مسئولیت، بسیاری از جوانان بی‌سوز و اخلاقی در این نهاد نقشه شدند. بسیاری دیگر که نام نداشتن برخی اعدال نفوذهای غیر- برمی را بداند خودخواسته‌ها کردند و خودکام قدرت طلب روز به روز به مراکز قدرت دسترسی پیدا کردند. به نظر ما بسیاری از عجزگردهای اساه برادران باسدان ما ناشی از نااهمیت خود آنان نسبت بلکه ناشی از نااهمیت جنگ افروزی است که از احسانات باک و بی‌آلوسی این عزیزان بود - استفاده کرده و آنان را در جهت اهدات جنگ طلبانه و برجسته‌های خود بسج می‌کنند، ما به خوبی شاهد بودیم که در بسیاری از نقاط از دسه از برادران باسدان ما که بدور از این گونه انحصار طلبی‌ها و عوام‌پرستی‌ها عمل کرده‌اند دارای عملکردی کاملاً برده‌ی انقلابی بودند. که در بیشتر موارد با ناسند ما نیز روبرو شده‌اند. بنابراین در برخورد با "سیاه باسداران" باید به این دوگانگی توجه کافی کرد. در یکبارجه درست سیاه نسیج‌های جز بغیبت باید انحصار طلب و عوام- طلب ندارد. و نباید یکبارجه نیز دلیل واقعیت بعضی عملکردهای غیر مردمی و ناصحیح، کاردرستی به نظر نمی‌رسد، از آنجا که باید قبل

حقه، وادی الوالی الصیها حقها، عزالحق بیهم، و قاتلها صیها اللین، و اعتدلت معالم العدل، و حرت علی اذلالها السنن، فصلح یدلک الزمان، و طمع فی بقاء الدولة ینت مطالع الاعدا".

(پس هرگاه مردم حقی را که رهنبری برگردن آنها دارد، به جای آورند و رهبران نیز حقوق مردم را رعایت نکنند، در آن صورت "حق" در میان آنان ارحم شده و معیارها و اصول مکتبها برجا می‌ماند، غلامت و ستم‌های عدل برقرار می‌شوند، ستم‌ها در مواقع خود جاری می‌گردد، در نتیجه روزگار مردم اصلاح خواهد شد. در این صورت است که می‌توان به نفع آن نظام امید بست، کرد).

همانطور که در فراز قلمی نیز اشاره شد، مناسبات بین رهبری و مردم، محوری ترین و اساسی ترین رابطه‌ی سیاسی متقابل در درون یک نظام است که شکل‌دهی سیاسی جامعه را تعیین می‌سازد و سایر روابط سیاسی داخل سیستم از آن ناشی می‌شوند (و اعظم ما اقرصی سخاند می تلک الحقوق ...). اگر این مناسبات از استحکام و سلامت لازم برخوردار باشد، سایر مناسبات متفرع از آن نیز مانند مناسبات بین رهبری و ملت‌ها، مناسبات بین دولت و ارگان‌های اجرایی و ... دوام و پایداری خواهند داشت.

اهمیت پایه‌ی مناسبات بین رهبری و توده‌ی مردم

اهمیت پایه‌ی مناسبات بین رهبری و توده‌ی مردم در این است که هدفها و آرمان‌های ایدئولوژیک (به مثابه‌ی محتوا) بنیاد در گذار یک مناسبات انقلابی که رابطه‌ی صحیح و متعادل را میان دستگاه رهبری و توده‌ها برقرار سازد، امکان بروز و تحقق پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر استقرار روابط صحیح بین رهبری و توده‌ی محروم (به مثابه‌ی شکل و فرم سیاسی) صاس‌حقوق اهداف ایدئولوژیک (به مثابه‌ی محتوا) است. زیرا می‌دانیم که شکل ماحول

گندم و آکنون هم می‌گوئیم در خطوط صد اسرائیلی اسام و باسداری که ضمناً خود را برابران امام می‌دانند همواره سر- باخدا می‌بخشند و برخواهند ساخت حساب برادران سحاج و تداکار و مردمی باسدان خود را از عناصر برجسته و ترحم طلب جدا می‌دانیم. * گروهی از ورزکاران مسلمان باسگاه ساحی سحراری یک از قائم - شپور در نامهای ضمن شرح فعالیت‌های خود و کارکنی‌های معمولی بعضی مقامات برابران نوسه‌اند که امیدوارند راه جهان پهلوان خشی و شهید ناصر صادقی را تا رسیدن به جامعه‌ی بی - طبقه‌ی بولشوی ادامه دهند. آرزو می‌کنیم، لیکن ورزکاران ما الگو فرار دادن جنس‌پندانی گالی سبت در جهت مبارزه‌ی خلق‌مان بردارند. * جمعی از جوانان مسلمان خلق عرب در نامی مفصلی برابران نوسه‌اند ضمن گزارشی از وضعیت فقر و فلاکت روساهای آبادان به ظلم و ستم مضاعف و معیشت برادی که در حق خلق عرب در میان شاه رفته و در حال حاضر نیز اعمال می‌شود، بردارنده‌اند. * آنگاه که کسودند که "سها که معنی فقر ظلم، گرسنگی، حرمان و سکنجو اعدام را بهتر از دیگران می‌فهمند چرا در بیشتر سخنرانی‌هاشان با در آغار و مقاله‌ها بادی از خلق عرب نمی‌کنند." این برادران همچنین نوشته‌اند که "جمعی از ما در جهاد سازندگی آبادان به منظور کمک به مستضعفین

مناسبات بین رهبری و توده‌ی مردم از دیدگاه علی (ع)

ارباط گسست ناپذیر و ارگانیک دارد لذا کلیدی هدف‌ها و اصول آرمانی که علی (ع) از آنها نام می‌برد "ارحمت شدن حق"، "پارحای ماندن اصول و معیارهای مکتب"، "برقراری نساند های عدل"، "جاری شدن سنت‌ها" و ... بنیاد در جارجوب مناسبات مزبور منسلوب شده و به اجرا در می‌آیند.

جنس نظامی به علت استحکام و انسجام درونی آن، مکتب ناپذیر خواهد گشت. (ویست مطالع الاعدا). زیرا اگر بپذیریم که عوامل خارجی به اعتمار و بر روی عوامل داخلی عمل می‌کنند، پس وقتی مناسبات درونی سالم و انقلابی باشد، دیگر جایی برای امکان نفوذ و سرزدن دشمن باقی نخواهد ماند.

برعکس اگر مناسبات بین رهبری و توده‌ی مردم بر اعاده‌ی کامل حقوق یکدیگر، صحتی نیابد، و نسبت به حقوق یکدیگر خاوار و عدی بنده گشت، (و اذ غلغت الرعیة و الیها، اواجفد الوالی سریعته). در این صورت به سنها ایدئولوژی و اهداف مورد نظر به تحقق نخواهند پیوست، بلکه:

"اختلفت حنالك الکلمة": احلاف کلمه بدید می‌آید. (زیرا وقتی کل سیستم روی خط اصولی حرکت نکند و مناسبات صحیح بین دستگاه رهبری و مردم برقرار نیابد، مسائل لاینحل می‌مانند و لاجرم تضادهای درونی سرماز کرده و لذا غرقه و اختلافات داخلی نالا می - گرد).

"و ظهرت معالم الجور": نشانه‌های ستم آشکار می‌شوند. (نقطه‌ی شروع هر گونه ستم و هوار کننده‌ی راه تجاوزهای عدی، همین انحراف یعنی فقدان مناسبات حسنه میان رهبری و مردم است).

"و کثر الادعای الی الدین": و کثر ادعای به دین فراوان می‌شود، با ی‌بندن می‌شود. وجود برداری این جنس موثر و مقاوم، مایه‌ی صاهات و افتخار ماست و در عین حال مسئولیتی دو جندان را در برابر خلق‌مان احساس می‌کنیم. مانند که بنواسم فرندان معیبه‌ی برای این بدر و برای همتی بدران رنج‌دیده و محروم کشورمان بناسیم.

نامهای ما امضای عباس آزادان دبیر دبیرستان‌های آبادان خطاب به روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، وزارت ارشاد و شورای انقلاب برای ما آمده است، که بر ما فحش و ناسزا است و از وزارت ارشاد خواسته‌اند که "این کاسف‌نامه و مزخرفانه‌ی روزنامه‌ی آمریکائی میخاهد که سن از پیروزی انقلاب با انگه‌ی به ارمانان تفاوت بینش، کارس و آرمشهر منتشر می‌شود، توقیف کند، و گرنه، ..."

انسان را برای کسب موفقیت و ... که این‌ایام خیلی وقت‌ها از طریق فحاشی و ضدیت با مجاهدین ناس می‌شود، به جای دیگری حواله می‌دهیم. * برادر کوچولویان "فرزاد اسعدی" که هدیه‌ای نیز برابران فرساده، بنوسه ... وقتی فهمیدم جسم خواهر برین را در آورده‌اند خیلی گرسنه کردم. کسان می‌بواسم ... امیدواریم که سوانی در آینده یک پلیسای خوب و مجاهد باشی! ما به وظایف انقلابی‌ات عمل کنی.

* در رابطه با مفاد می‌شود به

خواهیم به جانب تحقق بخشدن به یک آرمان ایدئولوژیک شخص حرکت کنیم، اهمیت حیاتی مسئله بار هم بیشتر خواهد گردید.

رابطه‌ی شکل و مناسبات سیاسی با محتوای ایدئولوژیک و جوهر نظام کلی جامعه

یکدی میهنی که بلافاصله با سنی خاطر نشان کنیم، اس است که اگر چه در اینجا بحث ما از مفولدی "کلی" و "مناسباتی" است که می‌بایست یک "محتوای" مشخص را مشخص سازد، لیکن بسیار روشن است که برخورداری از یک مناسبات و فرم انقلابی نیز به بومی خود، مستلزم مجهز بودن به یک دیدگاه انقلابی است. به نحوی که بدون دانش جنس دستگاهی، حتی در سطح یک مجموعه‌ی ساده‌ی کوچک نیز نمی‌توان، نظم و مناسبات باسداری را که ضمن منافع عینی افراد مجموعه و جهت و "هدف" کلی آن باشد، متعقد کرد. چه رسد به اینکه حوان در قلمرو میخاهدی جامعه که مناسبات مورد نظر سبب عالی‌تر است، از پس حل مسئله برآید.

برقراری جنس مناسباتی در جامعه، دقیقاً سبکی به سواندی ایدئولوژی‌ی مورد نظر و اصالت جوهر و هدف نظام کلی جامعه، و کارآئی آن در حل تضادها دارد. به عنوان مثال هرگز نمی‌توان در یک نظام سرمایه‌داری (اعم از کوچک یا بزرگ) که جوهر و ارش سربین آن سود و سودپرستی است، مناسبات اصلی و باسداری بین دستگاه رهبری و توده‌ی مردم انتظار داشت. زیرا اسواری این مناسبات مستلزم داشتن قدرت عملی در حل تضادها (و در کابون آن عنوان در حل تضادها) است. بهی شدن از "خود" و دوگانگی ترک آموز، و گذار به جانب یگانگی است که متادل مسک به یک ایدئو- لوزی عینی و واقع گراانه است.

(ادامه دارد)

فرزاد حید "ارمان" که در سربده حجاب رسد، حد گزارس از مقابله‌ی باس ضروریات روسائیان محروم ما خرنیدی این فرزادان دانسم، از حمله سراج - (-) گزارس مفصلی از وضعیت فقر و سکت روسائیان برت برابان بنوسه است. همجنس برادر مطلق از جورسان گزارس مناسبتی برابان فرساده‌اند. آراس برادران سگری می‌کنم.

* جواهری از احسن دانشجو- بان سلطان علوم بانک که در آرای کتک مالی ۳۰۰۰ ریالی خصوصی اسناها قضی ۳۰۰۰ ریالی به او داده است از ما خواسته ما بنس و سبته - افغانی فرد بربرو برابان ما سوا - فغانی بنس بناید. ضمن سکتور احسان مسئولیت اس جواهر لارم می‌دانیم گشندی جواداران را به استیکو موارد و لزوم دست و هوساری انقلابی. توجه دهم. * خانوادگی حادی از بنیران، کر چه دهنفا کم و کت تصه را صرح نکرده‌اند ولی کوبا برادرمان قائم در اس قسارهای خانوادگی، محض جواداره را ترک کرده‌اند. آمد - واریم به ناسر استیکو نشاره‌ی سونه سسری دانسد ناسند. در عین حال به برادرمان قائم سیر توصیه می‌کنم که ما نوجه به رهسودهای شخصی که ما به مسات‌های مختلف در ستم مردم و سجاهدین و در فغانسای "اخلاقی انقلابی" داده‌ام به سائل خانوادده سوجه دانسداسد و فرابویس کند که راه حل مشکلات و مسائیل بوسل به سندهای غیر اصولی ستم

گزارشی از پاکسازی!! در صنعت نفت

بقیه زصفحه اول

و عاملان و کارگزاران انحصارات امپریالیستی و اعلام اسامی و اخراج ساواکی‌ها و خلع ید آنان بود. در اوایل سال ۱۳۵۸ جهت انجام و نیل این امر مهم اقداماتی از طرف شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز و سایر مناطق نفت‌خیز جنوب انجام گرفت و پس از گردآوری مدارک و شواهد لازم با رئیس هیئت مدیره وقت نژد و سایر سرپرستان طی جلسات متعددی لیست پاکسازی مورد موافقت قرار گرفت اما به هنگام امر پاکسازی کارکنانی که شروع شد و در عمل افراد مشمول پاکسازی مورد حمایت قرار گرفتند و عملاً از انجام پاکسازی جلوگیری شد.

پس از تشکیل وزارت نفت در مهرماه ۱۳۵۸ آقای معین فر با حضور اعضا شورای مرکزی و نمایندگان مناطق نفت‌خیز ضمن اشاره به لزوم پاکسازی، قول‌های مساعد و امیدوارکننده‌ای در مورد انجام آن داد و اظهار داشت در اولین فرصت گروهی برای پیگیری و تحقیق این مسئله به جنوب اعزام خواهند شد. متأسفانه این بار نیز مشاهده شد که اینها جز قول‌های واهی و وعده و وعید چیز دیگری نبودند. و در این اثنا افراد مشمول پاکسازی با علم به اینکه دست‌اندرکاران وزارت نفت علاقه به انجام این امر مهم ندارند حدید قوا کرده و جان گرفتند و شروع به نوطه نمودن. پس از جنسی از طرف وزیر نفت نامی در این رابطه صادر و کارکنان مبارز و مسلمان و دلسوز را که در امر پاکسازی دخیل بوده‌اند و خواستار عمل پاکسازی به خاطر حفظ انقلاب و رفاه‌وردهای آن بودند عناصر جب آمریکایی خواند و ضمن دلجوئی از عناصر فاسد و خائن سعی در بی‌اعتبار جلوه‌دادن کار شورای مرکزی کارکنان صنایع نفت اهواز نمود. این اقدامات به هیچ وجه باعث دلسردی اعضا شورا نگردید. ما این‌که در اول آذر ماه ۱۳۵۸ طی بنامی با شورای انقلاب اسلامی ایران نسبت به خواسته‌های شرعی و قانونی و به حق کارکنان یافتاری نبود. مسئولین امر ضمن تعجب از عدم پاکسازی در صنعت نفت قول‌های مساعدی در این زمینه دادند و بالاخره در اواخر آذرماه ۱۳۵۸ از طرف دادسرای کل انقلاب ایران، شخصی به نام دکتر حدیدی به عنوان نماینده نام الاحصار دادسرای در صنایع نفت، مأموریت یافت امر پاکسازی را به انجام برساند.

دکتر حدیدی که خود را معاون دادسرای کل انقلاب و نماینده نام الاحصار دادسرای کل برای امور پاکسازی در صنعت نفت معرفی می‌نمود در تماس با شورای صنعت نفت خود را مشاور حقوقی شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران معرفی نمود و خود را منسب به شخصیت‌های مورد اعتماد مردم می‌دانست. او برای جلب شورا صریحاً اظهار می‌کرد که "همیشه با عمل شهادت از خانه بیرون می‌آید". پس از این مقدمه شورای اسلامی صنعت نفت پرونده‌ای حدود ۱۰۰ نفر از افراد مشمول تصفیه را به او تسلیم نمود. دکتر حدیدی ضمن شکر از شورا مدعی بود که از صنعت دهه‌ها نفعی جنوب حداقل یک‌هزار نفر می‌بایست مشمول پاکسازی قرار گیرند. ایشان برای جلب اعتماد بیشتر شورا بدون مقدمه با مختصر نگاهی به تیز پرونده‌ها و رای شورا دستورالعملی مبنی بر قطع حقوق و مزایا، احضار به دادستانی، بازداشت و حبس زندان برای افراد مشمول پاکسازی صادر نمود و این مأمور را چنان با مهارت انجام داد که اعتماد هرکس را به خود جلب نمود. این مأمور فقط یک‌ماه به طول انجامید و پس از آن دکتر حدیدی شروع به مبرهنه‌ی دست‌دستی حاشین نمود

بطوری که افراد مشمول پاکسازی مرتب به تهران رفته و احکام برائت را گرفته و به کار باز می‌گشتند. دکتر حدیدی با همان سرعتی که افراد را قبلاً مجازات کرده بود این‌بار تیرته نمود و چیزی نگذشت که آخرین ضربه‌ی خود را به شورا زد. و یک لیست ۶۹ نفره از تصفیه‌شدگان را به سرپرست مناطق فرستاد و طی آن دستور بازگشت به کار آنان را داده بود. در این لیست ترکیبی از افراد با جرائم متفاوت از سنگین‌ترین تا سبک‌ترین جرائم وجود داشت در لیست تیرته‌شدگان افرادی وجود داشتند که حتی در زمان تیرتیر اخراج شده بودند، و عدای هم وجود داشتند که از ترس مواخذه‌ی مردم بعد از انقلاب از ایران فرار کرده بودند لیکن دکتر حدیدی حتی این افراد را نیز تیرته کرده بود بعضی از این افراد پس از حکم برائت هنوز جرات نکردند به ایران بازگردند برکت تدریجی مشمولین پاکسازی با حکم برائت از دادستانی و اجرای بی‌جون و جرای این احکام توسط سرپرست مناطق نفت خیز و از آن طرف بررسی پرونده‌های دویست - برگی طرف دو سه دقیقه و دادن احکام قطع حقوق و مزایا در اول ورود این شبهه را برای شورا ایجاد نمود که امکان ارتباط متکوک بعضی از مشمولین پاکسازی با دکتر حدیدی وجود داشته و شورا بر آن شد که در مورد سابقه‌ی ایشان تحقیقات وسیع - سری به عمل آورد.



"به نظراینجا جنب جلوگیری از تصحیح حقوق افرادی که جایب و تخلقی از آنها مشهور نیست، خود قضاوتی عادلانه و اخلاقی درجند عدالت است!"
"دکتر حدیدی"

بابت نزول و حق کمسیون دکتر کارکنان صنعت نفت شخصی شد، یکی پرونده‌هایی که دکتر حدیدی نسبت به آن علاقیدی خصوصی نشان می‌داد مربوط بود به پرونده‌ی یکی از مدیران سابق اداری مهندسی و ساختمان به نام دکتر فامیلی که از شرکتی به نام "زان وی" که پیمانکار شرکت بود و برای اداری مهندسی و ساختمان‌کار می‌کرد مبلغی پول دریافت کرده بود که این امر سبب برکناری و استعفا‌ی دکتر فامیلی گردید و شرکت در لیست سیاه شرکت - نفت قرار گرفت و هرگونه برداشتی به آن توقیف شد. لازم به تذکر است که فراراد منقده بین شرکت نفت و شرکت زان وی ۱۸۰ میلیون ریال بود که طی پشتیبانی و حمایت نئی چند

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

بلاغ مراسم بزرگداشت مجاهد شهید رضارضائی لاهیجان

در تاریخ ۲۵ خرداد، بنا به دعوت انجمن جوانان مسلمان لاهیجان، قرار بود مراسمی، بمناسبت هفتمین سالروز شهادت مجاهد شهید رضارضائی و بزرگداشت شهدای اخیر سازمان مجاهدین خلق ایران، در آستان بزرگداشت شهیدان منصور بازرگان و ملان مجاهدین شهید محمود عسگری زاده محمد دزیانی، سخنانی ایراد کنند. اما مراجعی مکرر مسئولین انجمن برای دریافت اجازت از کمیته اجرائی مراسم، به فرمانداری با پی‌نوجبی فرماندار و عدم پذیرش آنان بدون نتیجه ماند.

از آنجائی که قبل از شروع مراسم، تعداد زیادی از عناصر معطوم الحال با دو مینی‌بوس از اطراف وارد لاهیجان شده بودند به منظور جلوگیری و خنثی کردن هرگونه نوطه اغتشاش و درگیری، با وجودی که بیش از ۵ هزار نفر از مردم لاهیجان و شهرها و روستاهای اطراف برای شرکت در این مراسم گرد آمده بودند با قرائت اطلاعیه‌ای مراسم لغو گردید. در این اطلاعیه علت برکناری شدن مراسم دفع الوقت فرماندار و نوطه‌جیمی‌های وایسگرایان ذکر شده و نیز از مردم خواسته شده بود که به آرامی محل مراسم را ترک کنند و بهانه‌ای بدست نوطه‌گران ندهند. ضمناً در این رابطه انجمن جوانان مسلمان لاهیجان اطلاعیه‌ای منتشر کرده‌است که در آن ضمن سیاست‌گذاری از شرکت‌کنندگان در مراسم و محکوم کردن سیاست‌های مقامات، یادآوری کرده‌است که لغو مراسم برای خنثی کردن هرگونه نوطه‌ی احتمالی صورت گرفته است. همچنین در آن سوالی از مقامات مسئول شده‌است از جمله آمده‌است: "آقای فرماندار، مردم از خود سئوال خواهند نمود که فرماندار لاهیجان چه صدیقی با شهیدان لاهیجان مجاهد شهید رضارضائی دارد؟ مگر رضارضائی مسلمان انقلابی که در راه آرمانهای بوحیدی خود فیهامانه به شهادت رسید، نبود؟ کدام ایرانی است که حماسی جاودان رضائی‌های شهید را در دوزان سکوت و حفاقت نسیده‌اند؟ پس چرا نباید اجازه‌ی رسمی برگزاری مراسم بزرگداشت آنها داده‌شود؟"

شایعه‌ی برکناری علی‌ه مجاهدین

در تاریخ ۲۵ خرداد فرد ناشناسی که خود را "حسینی" معرفی می‌کرد، به سفا ساکارا و سیاه باسداران ارومیه تلفن زده و اطلاع داد که: "در سفا ساکارا منی کار گذاشته‌ام که تا حد دقیقه‌ی دیگر مفرج می‌شود. پس از تحقیقات لازم و بازرسی محل توسط باسداران، معلوم شد که این خبر جو یک شایعه‌ی برکناری علی‌ه مجاهدین حیر دیگری نبوده‌است و در ردیف همان نوطه‌ها و شایعه‌ها برای اثبات آن که برای مسووم ساختن اذهان بوده‌است نسبت به مجاهدین خلق و ملی انقلابی آنان صورت می‌گیرد. لازم به یادآوری است که عنما همین دروغ‌پردازی روزی قبل (۲/۲۴) سر انجام شده بود.

حمایت مردم "پره‌سرا" از شهردار خود رضاشهر

در تاریخ ۲۴/۳ اهالی "پره - سر" از بواع رضاشهر طی طوماری

مطابق دستخط دکتر رهنا هراوه‌ای با دستخط دکتر حدیدی و وجود ظلمی مبنی بر شرکت در مراسم بزرگداشت روز فرخنده‌ی ششم بهمن، پس از بررسی بیشتر آشکار شد که دکتر حدیدی همان دکتر مهدی رهنا هراوه‌ای است که در پرونده‌ی سوا استفاده دکتر فامیلی و شرکت زان وی دخیل بود و اکنون با نام دکتر حدیدی و به عنوان نماینده دادستان کل انقلاب و سوا استفاده از این امر دستور برائت دکتر فامیلی و شرکت زان وی را صادر نموده‌است. ضمناً بررسی بیشتر بدست آوردن مدارک بیشتر آشکار شد که نامبرده فردی صالح، کلاهبردار و کلاه‌بده‌ی کلنگات فراوانی از کلاهبرداری‌های مربوط به شهسواراک و شهرداری آن قبل از انقلاب شده است. ضمناً نامبرده صادرت به کشیدن چکه‌های بی‌محل نموده است و یک مورد آن چکی به مبلغ ۱۰۴۵۰۰۰۰ ریال می‌باشد. بر این اساس تحقیقات مربوط به کلاهبرداری‌های دکتر رهنا

با ۳۰۰ امضاء حمایت و پشتیبانی خود را از "هزبر بورباک" شهردار "پره سر" در برابر نوطه‌های فتودال‌ها و ابادی آنها اعلام کردند. وی پس از قیام، به دنبال فعالیت‌های انقلابی و مردمی‌اش در دوران انقلاب از طرف اهالی به عنوان شهردار انتخاب شد. او عدای از فتودال‌ها و ابادی‌شان را که در رژیم گذشته رهبری چماقداران را بر علیه مردم مبارز "پره سر" برعهده داشتند، دستگیر و به تهران می‌فرستد. اما پس از چند ماه آنان از زندان قصر آزاد شده و اکنون در ادامه اقدامات ضد مردمی خود "چه باید کرد؟" به نمایش گذاشته شد. پخش این سخنانی که بمناسبت بزرگداشت شهادت هشت تن از شهدای اخیر سازمان، در امجدیه ایراد شده و خود شهیدی دیگر برجای گذاشته بود، با ابواز احساسات شدید حاضران روبرو شد. این مراسم در ساعت ۸/۴۵ پایان یافت.

مراسم بزرگداشت چهلم مجاهد شهید سیاوش شمس آبادان

عصر روز ۲۶ خرداد، مراسم چهلمین روز شهادت برادر مجاهد "سیاوش شمس" درجه‌دار انقلابی ارتش که چهل روز پیش بدست عوامل ارتجاع در اصفهان به شهادت رسید، در خاکسار (فارس‌سار) آبادان برگزار گردید. در این مراسم سرباز بلاوت‌آسانی چند از فرماندهان انقلابی توسط یکی از برادران جوان شد. آنگاه یکی از مادران عضو انجمن مادران مسلمان سخنرانی ایراد کرد و طی آن ضمن اشاره به زندگی مجاهد شهید سیاوش شمس و مجاهد شهید سرگرد محبی به برسل انقلابی ارتش درود فرستاد. محبتی خطاب به مطوعات، در جوابت کرد که چون سیاوش شمس را به عنوان شهید مطوعات آزاد با حفظ حرمت نام و دماغ از آزادی کزایی ندارد.

سرققت ۷۰۰ نسخه نسریدی مجاهد

در تاریخ ۲۶/۳ یکی از هواداران حسن بروج سربدی مجاهد پس فرودشدگان تیره توسط ۶ نفر از اوباش محاصره شده و بدست آن ۷۰۰ عدد نسریدهای توسط آنها سرقت می‌شود. سرمدسار سقا محبتی فردی شاخه شده است که فلا نیز حدین بار سیرات مجاهد را از دکدی روزنامه فروسی به سرفت بوده و روز قبل از این هجوم نیز فرد هوادار را سربدی کرده بود.

دندان این جریان، سکا سنا سنا

ای از طرف برادر هوادار سلم شهرتایی کرج شد.

از علاقمندان، تقاضای خودکشی کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در بیج شمیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره‌ی پستی ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند."

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول ۹۶ درس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره‌ی ۶۴/۱۵۵۱